بسم الله الرحمن الرحیم

صل الله علیک یا صاحب الزمان ادرکنا

بخش اول:

نقشه :

* + همه ی ما وقتی بازی زندگی رو آغاز کردیم ، با یکسری امکانات روی زمین آمدیم
		- یکی پولدار ، یکی قد کوتاه ، یکی با قد معمولی ، یکی بی پول ، یکی زیبا ، یکی معمولی ، یکی با هوش مادر زادی ، یکی معمولی
		- امکانات شما چیه ؟ (سوال مجریان از خودشان یا از جمع )
		- طراح نقشه ی زندگی دو نکته ی مهم رو جزو قوائد این نقشه قرار داده
		- حرکت تو توی این نقشه کاملاً منطبق بر اختیار توست
		- همه می تونن موفق بشن
		- جالبه بدونیم این مسیر جوری طراحی شده که هر کس با هر امکاناتی که اومده باشه ، می تونه برنده این بازی باشه . نکته اینجاست که چه برنده و چه بازنده هر چی که بدست اوردی رو همین جا می ذاری و بازی جدید رو با امکانات جدید که در بازی قبل آماده کردی ، ادامه می دی
		- تو هر بازی ، برای برنده شدن ، دنبال نقشه ی اون بازی می گردیم
		- این بازی - زندگی - مثل همه ی بازی های دیگه نقشه داره ، یه نقشه ی کامل . نقشه ای که ما بر اساسش زندگی می کنیم ، برنامه ریزی می کنیم
		- ما اگر فقط طبق آن چیزی که می بینیم حرکت کنیم طبیعتاً به نتجیه نمی رسیم
		- ار فقط یک تکه از پازل نقشه رو در دست داشته باشیم نمی تونیم کل مسیر رو تشخیص بدیم
		- این نقشه یک سری قوانینی داره که ما یک بخشی از آنرا می دانیم و با همان بخش که ممکنه اطلاعاتمون راجع به اون زیاد بشه داریم زندگی می کنیم .
		- مثل این بازی های استراتژی که هر چی جلو تر بری بیشتر می تونی نقشه ی بازی رو پیدا کنی
		- تا حالا فکر کردی که چقدر خوب می شد این نقشه رو از بالا می دید و منحنی هایی که روی اون تاثیر گذاشتند رو می تونستی بشناسی ؟
		- اگر از بالا به تمام این نقشه نگاه کنیم می توانیم قوانین حرکت در مسیر این نقشه رو ببینیم و با آنها آشنا بشیم
		- در تمام مسیر این نقشه قانون هایی وجود داره که روی حرکت ما تاثیر گزاره
		- مثل همین جاذبه (خودکار را می اندازیم )
		- اینکه من به این قانون اعتقاد داشته باشم یا نه ، چیزی از قانون کم نمی کنه منم که ضرر می کنم
		- قانون های استثنایی تو این نقشه وجود داره که دونستن اونها می تونه تاثیر ویژه رو حرکت ما بزاره
		- مثال :
		- سیکل سوخت و ساز بدن
		- بدن دو سیکل سوخت و ساز داره ، یکی چربی سوزی و دیگری قند سوزی
		- برای اینکه بخواییم رژیم موفقی بگیریم باید بدون چگونه سیکل سوخت و ساز بدنمون رو به چربی سوزی تبدیل کنیم
		- تراول
		- یک تراول دارم حاضرم با هر اسکناسی که شما داشته باشید و سه رقم آخر اسکناستون با سه رقم آخر اسکناس من بخونه ، عوض کنم
		- شما به من اعتماد کردید پولهای توی جیب خودتون رو گشتید چون می دیدید که می تونید پولتون رو چند برابر کنید .
		- آیا همین قدر که به من که زیاد هم نمی شناسید اعتماد دارید ، به خداوندی که درقرآن به ما وعده داده که اگر صدقه بدید ، قرض بدید ، من ضمانت می کنم که پولتون رو چند برابر کنم
		- دعای مادر
		- دعایی که هممون تجربه کردیم که می تونه پشتوانه ی حرکتمون در زندگی باشه
		- ان مع العسر یسری
		- خدا این رو به عنوان قانون خودش در این دنیا اعلام می کنه که بعد از هر سختی ، نا امید نشید . تو این مسیر جاده ی منتهی به دره وجود نداره ، صبر داشته باش تا پیچ نجات رو ببینی
		- النجات فی الصدق
		- طبیعیه که نمی رسیم همه ی این قوائد رو گفتگو کنیم و شاید تمام اونها رو هم ندونیم ، ولی بنا داریم گزارشی از چندتا از مهمترین این قوائد رو بگیم که فکر می کنم شما هم با ما هم نظر باشید که توی زندگیمون تاثیر ویژه ای ایجاد می کنه و جزء قوائد کلیدیست
		- برای ما که بدنبال رسیدن به موفقت در این مسیر هستیم ، حداقل شنیدن این قوانین می تونه کمک کننده باشه
		- بخش دوم
		- در بخش های قبلی و در قوانین قبلی که با هم مرور کردیم ، به چند قانون ویژه ی خدا برخردیم که توجه به اونها می تونه موجب جهش استثنایی در زندگی ما بشه .
		- در اینجا می خواییم از قوانینی صحبت کنیم که شاید دونستن اونها ، جواب بسیاری از سوالات بی پاسخ ما تا به الآن باشه
		- ما در تمام مراحل زندگیمون با خدا کار داریم ، به خدا حاجتهامون رو می گیم ، از خدا طلب کمک می کنیم و می دونیم که خداوند قادره که به ما کمک کنه .
		- پس طبیعیه این نظام خلقت باید مکانیزمی داشته باشه که من بتونم حاجتهام و خواسته هام رو از خداوند بگیرم
		- می خواییم از این مکانیزم ساده و مهم صحبت کنیم
		- قبل ورود به این مکانیزم اجازه بدید یک مثال بزنم
		- اطراف ما پر از امواجیه که هر کدوم گیرنده ای نیاز داره تا بتونیم از این امواج استفاده کنیم
		- امواج رادیوئی ، تلویزیونی ، موبایل و ...
		- اگر من گیرنده مثلاً موبایل همراهم باشه خوب طبیعیه که می تونم از این امواج استفاده کنم
		- اون مکانیزم ویژه ی خدا هم همینه !
		- خداوند به ما فرموده ، بنده های من ، شما گیرنده ی امواج پر از نعمت من هستید و آسمون بالای سرتون هم پر از نعمت های من ، پس بخواهید تا بهتون بدم !!
		- بخواهید تا بهتون بدم ! نه مقدمه ای داره نه شرطی
		- اون چیزی رو هم که بهتون دادم ازتون نمی گیرم مگر اینکه خودتون کاری کنید که این نعمت ازتون گرفته بشه !!
		- روی سخن خدا اینجا با ماست ! با ماهایی که بهمون نعمت داده !
		- خدا می ففرماید ؛ آهای اونایی که بهتون نعمت دادم ، سلامتی دادم ، مال و ثروت حلال فراوان دادم ، فرزند صالح دادم ، زندگی خوب دادم ... حواستون جمع باشه ! منه خدا ازتون نمی گیرم ، شما خودتونید که کاری انجام می دید که این نعمتها ازتون گرفته می شه !!
		- مگه من چکار می کنم که نعمت ازم گرفته می شه ؟!
		- اینجا هم خدا گزارش داده .
		- قبلش اجازه بدید یک سوال بپرسم ؛
		- شما به چه کاری می گید کار بد؟
		- دزدی ، دروغ ، غیبت ، خیانت ، تکبر و ....
		- یک نکته ی جالب تو مه ی اینها وجود داره و اونهم اینه که اگر کسی هر کدام از این کارها رو در حق ما انجام بده ، خوشمون نمی آد ! هیچ کدوم از اینها رو دوست نداریم کسی با ما انجام بده !
		- دقیقاً گزارش خدا همینه !
		- خداوند می ففرماید اگر حواست نبود ، و کاری انجام دادی که خودت هم - با همین تعریفهایی که کردیم - می دونی کار بدیه ، بدون که خودت رو از یکسری از نعمتهای من محروم کردی
		- چجوری ؟!
		- مثل همون مثالی که برای موبایل زدیم .
		- موبایل می توه امواج رو دریافت کنه تا وقتی که نریم توی جایی که سقفها و دیوارهای ضخیمی داره ، تا وقتی که چیزی مانع رسیدن اون امواج نشه
		- برای ما هم دقیقاً اینگونه است .
		- من نعمت بهم می رسه - سلامتم ، روزی خوبی دارم ، حالم خوبه - حواسم نیست اششتباهی می کنم و کار بدی ازم سر می زنه ، با دست خودم ، دیواری درست کردم جلوی نعمتهایی که داشت بهم می رسید .
		- شب می خوابم صبح بیدار می شم می بینم همه چیز بهم ریخت
		- این یک دفعه عوض شدن اوضاع رو فکر کنم همه لمس کردیم
		- سلامت بودم ، یک دفعه مریض می شم
		- روزی خوبی داشتم ، یک دفعه ورشکست می شم
		- نعمتهام رو یکی یکی از دست می دم
		- این همون مکانیزم مهمیه که شاید ما تا به الآن ازش غافل بودیم ، مکانیزمی که توش متوجه می شیم داریم با دست خودمون ، خودمون رو بدبخت می کنیم
		- این قانون می خواد بگه حواست باشه ، اگه کار اشتباهی کردی بدون که خودت رو از یکسری از نعمتهای خدا محروم کردی
		- حتی اگر در گذشته کاری کردی و الآن یادت نیست
		- و شاید حواست نبوده - مثل وقتایی که ندونسته دلی رو شکوندیم ، یا پا روی حقی گذاشتیم
		- برنامه ریزی شیطان این بوده که ما ندونیم که چنین مکانیزمی اصلاً وجود داره
		- هدفش این بوده که من نفهمم در بسیاری از موارد این خود منم - این اعمال خود منه - که باعث می شه نعمتهام رو از دست بدم
		- همانطور که گفتیم این نقشه قوانین مهمی داره که استراتژی مهم شیطان اینه که ما غافل از این قوانین سرمون به مسائل دیگه ای گرم باشه و نفهمیم که داریم با زندگیمون چه می کنیم
		- سوال مهم اینجاست ! راه نجات چیه؟
		- من که نمی خوام نعمتهام رو از دست بدم ، من که دلم می خواد آسمون پر از نعمت خداوند دوباره من رو ببینه ، چکار باید کنم ؟ آیا راه بازگشتی هست؟!
		- خالق این نقشه ، مسیری رو برای ما طراحی کرده که منتهی به سعادت باشه برای ما ، پس راه نجات هم در صورت غفلت قرار داده
		- راه نجات خدا و قانون ویژه ی او برای ما یک پتک و تبریه که اگر من تصمیم به بازگشت گرفتم ، به من وعده داده که اگر این پتک رو به دست بگیرم ، می تونم دیوارها و سقفهای دور خودم رو خراب کنم
		- و اون چیزی نیست جز پشیمانی از گناه و درخواست بازگشت
		- قانون ساده ی خدا اینه ؛ اگر حواست نبود و کار اشتباهی انجام دادی ، زود بیا سراغ من و عذرخواهی کن
		- زود بیا و با توبه و استغفار دیوارها و سقفهای دور خودت رو خراب کن
		- برای اینکار هم میانبر و راه حل های زیادی گذاشته
		- مثلاً اگر کار اشتباهی انجام دادی سریع توبه کن ، هیچ جا نوشته نمی شه
		- اگر دیرتر شد ، برات کمرنگ می نویسم ، سریع بیا پاکش کن
		- دیر تر شد ، نوشته می شه ، بیا زودتر که روش خط بکشم
		- شب جمعه بیا ، دم اذان بیا ، هنگام بارش باران بیا ... تو این زمانها به خواستت یه جور دیگه نگاه می کنم
		- اگر محرومیتی براتون ایجاد شده که همه گیر شده مثل قحطی و ... که عمومیه ، دسته جمعی بیائید و طلب استغفار کنید
		- برای همینه که وقتی کتاب دعا رو باز می کنیم و به مصمون بسیاری از ادعیه مثل دعای بارون و ... نگاه می کنیم ، می بینیم سراسر طلب بازگشت و توبه است
		- ولی اگر دیر رفتیم ! اگر این دیوارها و سقفها آنقدر عظیم و محکم شده بود که دیگه زور ما نمی رسید که بخواهیم خرابشون کنیم ، آنوقت باید چه کنیم ؟
		- خداوند در قرآن داستانی رو نقل می کنه که جواب این سوال ماست
		- داستان برادران یوسف ! برادرانی که بعد از آنهمه گناه و اشتباه با باری سنگین ، تصمیم می گیرند برگردند ، تصمیم می گیرند گذشته رو جبران کنند و از کارهای خود پشیمان می شوند
		- آنها چون می دونستند خودشون نمی تونن دیوارهاشون رو خراب کنن ، دسته جمعی به سراغ پدرشان ، یعقوب نبی می رن و از او می خوان که براشون طلب استغفار کنه ! دست به دامن پیامبر خدا می شن ، دست به دامن فردی می شن که نزد خد آبرو داره و خداوند به حرف او توجه ویژه می کنه
		- پس پدرشان یعقوب نبی ، شب جمعه ای از شهر خارج می شه و از خداوند برای فرزندانش که باری سنگین داشتد طلب استغفار می کنه
		- عزیزان ! ما چی ؟
		- ما اگر دیدیم غفلتمون باعث شده که دیگه زورمون نرسه که دیوارها و سقفهای خودمون رو تنهایی خراب کنیم ، کسی رو داریم که دست به دامن او بشیم ؟
		- کسی که نزد خدا آبرو داره
		- کسی که خداوند به درخواست او ویژه نگام می کنه >
		- این خدای مهربان ، این خدای بخشنده ی مهربان برای من و شمایی که تصمیم به بازگشت داریم هم راه نجات قرار داده
		- برای ما که دنبال یک دعای مستجابیم ، عزیزی رو در کنارمون گذاشته که به او رو کنیم و بگوییم : یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا ... ای پدر تو برای ما طلب استغفار کن که ما خطا کردیم ، که ما غفلت کردیم ، که ما دوباره می خواییم آسمون پر از نعمت خداوند رو ببینیم ، که ما به دنبال خوشبختی هستیم
		- ای پدر فرزندانت رو دریاب
		- پدری مهربان ، از خاندان کرامت در کنار ماست که حتی قبل از اینکه ما به سراغ او برویم ، او برای نجات ما دعا می کنه ، او برای حفظ ما از طرف ما از خداوند طلب استغفار می کنه ، او برای تک تک فرزندانش که ما باشیم دل نگرانه و مواظب ماست
		- این پدر مهربان ، نماینده ی خداست در میان ما و امام زمان ماست ، فردی است که از بالاترین درجه ی حرمت و اعتبار در نزد خدا برخورداره . فردی که تجلی بخش مهربانی خداست ، کسی که راه نجاتی است که خدا برای ماقرار داده و فردی است که دعایش نزد خدا همیشه مستجاب است .
		- این عزیز که ما کریم است و از خاندان کرامت
		- کریم کسی است که منتظر خواهش ما نمی مونه
		- کریم کسی است که بدی ما رو با خوبی جواب می ده ، بی توجهی ما به امام زمان با توجه اون بزرگوار به ما جواب داده می شه
		- نقل کردند که حضرت در خلوت استغاثه می کردند و برای گناه شیعیانشان و فرزندانشان از خداوند طلب استغفار می کدند
		- خداوند نعمت را با حضور این عزیز در کنار ما تمام کرد تا ما تجسم بخشندگی خدا رو در زندگیمون ببینیم
		- جوانمردی که لحظه به لحظه فرزندانش رو از گزند شیطان حفظ می کنه
		- ما چنین بزرگی در کنارمون هست و فقط کافیه که یک قدم به سمتش برداریم تا او تمام مسیر خوشبختی رو برامون روشن کنه
		- جوانمردی رو با جوانمردی پاسخ می دن خوبی رو با خوبی جواب می دن . این پدر برای ما همه کار کرد ، ما هم برای او قدمی برداریم تا خلاف رسم جوانمردی عمل نکرده باشیم
		- بیائیم ما هم باری از دوش او کم کنیم
		- در کنار تمام خوبی هایی که او برای ما از خدا می خواهد ما هم یک چیز برای او از خدا بخواهیم چیزی که خودشان ما را به آن سفارش کردند و آن هم دعا از خدا برای پایان این دوران غیبت و غربت ایشان است
		- پس به رسم جوانمردی ما هم از ته دل ، همه با هم از خداوند ظهور و گشایش در کار ایشان را از خدا می خواهیم
		- اللهم عجل لولیک الفرج